

نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده

محمد مهدی صفورائی*

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و با هدف شناسایی و استخراج باورهای دینی مؤثر در تقویت، استحکام و کارآمدی خانواده از آیات و روایات صورت گرفته است. در این پژوهش، به مهم‌ترین بینش‌ها و باورهای دینی اشاره شده است که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده اثر می‌گذارد و آن را به خانواده‌ای کارآمد تبدیل می‌کند؛ چنان‌که نبود چنین بینش‌هایی، سبب ناکارآمدی خانواده و شکل‌گیری روابط نامناسب خواهد شد. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس منابع دینی، ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و زندگی پس از مرگ، مهم‌ترین باورهای دینی‌اند که خانواده را کارآمد می‌کند. بر اساس نتایج پژوهش بینش‌ها، باورهای دینی از سه بُعد معنادهی به زندگی، اجرای وظایف و تکالیف توسط اعضای خانواده، و مواجهه با مشکلاتی که در خانواده پدید می‌آید، بر کارآمدی خانواده اثر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، باور دینی، ایمان، اعتقاد، معاد، رسالت و امامت.

مقدمه

است. در این پژوهش شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام از منابع دینی استخراج شد و بر اساس نتایج به دست آمده آزمون آن نیز ساخته و به جامعه علمی معرفی گردید.

این پژوهش به سؤالات زیر پاسخ می‌دهد:

۱. اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی اثرگذار بر کارآمدی خانواده کدام‌اند؟

۲. این بینش‌ها چگونه بر کارآمدی خانواده اثر می‌گذارند؟

۳. نبود چنین بینش‌هایی چه اثری بر خانواده می‌گذارد؟

منابع دینی ما، یعنی قرآن و سنت، سرشار از توصیه‌های اثرگذار بر کارآمدی خانواده است. مجموعه تعالیم اسلامی در مورد خانواده، ما را به نظامی رهنمون می‌کند که شاخص‌های کارآمدی را دربر دارد و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی خانواده است. در ادامه مهم‌ترین شاخص‌های بینشی خانواده کارآمد، از منابع معتبر دینی استخراج و معرفی می‌شود.

در این زمینه کتاب یا مقاله‌ای که مستقل و مستقیم به موضوع پرداخته باشد، یافت نشد، ولی می‌توان به رساله دکتری نگارنده اشاره نمود.^(۴)

۱. ایمان به خدا

اساسی‌ترین باور دینی، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. ایمان عبارت است از پذیرایی و قبول مخصوصی از ناحیه نفس در آنچه قبول کرده؛ قبولی که باعث شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری که اقتضا دارد، تسلیم شود. علامت این تسلیم و قبول آن است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را بپذیرد و مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود.

اعتقاد و عقیده از ریشه عقد و عقد به معنای بستن، پیوند زدن و گره خوردن است. پیوند و بستن چیزی به چیز دیگر گاه حقیقی و مادی است، مانند چسباندن جوانه یا شاخه درختی به شاخه درخت دیگر و گاه اعتباری و معنوی است؛ مانند پیوند زناشویی که صیغه عقد، زن و شوهر را به هم پیوند می‌دهد.^(۱)

عقیده، چیزی است که به ذهن، فکر و جان انسان بسته می‌شود و پیوند می‌خورد. وقتی ذهن می‌پذیرد که انسان پس از مرگ زنده می‌شود، حقوق دیگران را باید رعایت کرد، به والدین باید احترام گذاشت، زن و مرد به محبت و فرزند به تربیت نیاز دارند و...، معنایش این است که یک باور، نظریه و بینش را انسان پذیرفته و با ذهن شخص پیوند خورده است. این پیوند، عقد و آن بینش عقیده است و زمانی که فردی می‌گوید: چنین اعتقادی دارم؛ یعنی قلب و دل را بر آن بسته و گره زده‌ام.

زیربنای همه جهت‌گیری‌های انسان در زندگی عقاید و باورهای اوست. بنابراین عقیده، بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. اگر باورهای انسان در زندگی و به ویژه در خانواده صحیح و مطابق با خواسته‌های خالق هستی باشد، زندگی او هم در مسیر صحیح و کارآمدی^(۲) قرار خواهد گرفت و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به بی‌راهه برده، آن را ناکارآمد می‌سازد. از این‌روست که اسلام بیش از هر چیز به اصلاح شناخت و بینش‌های انسان اهمیت می‌دهد و برترین افراد را از نظر ایمان کسانی می‌داند که از نظر شناخت بر دیگران برتری دارند.^(۳)

این نوشتار برگرفته از پژوهشی است که نگارنده با عنوان «معرفی شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سنجش کارآمدی آن» انجام داده

خاصی می‌دهد، به این نحو که آفرینش را هدفدار و زندگی را معنا دار می‌کند. از دیدگاه چنین فردی هدف از زندگی خانوادگی رسیدن به تکامل و سعادت است. این طرز تلقی از جهان، دید انسان را درباره نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن خوش‌بینانه می‌سازد.

«قیافه دنیا در نظر مردم با ایمان فرق می‌کند؛ چرا که مردم مذهبی به طور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که به زندگی آنها ارتباط دارد، انعکاسی از مشیت الهی است.»^(۱۰)

حالت فرد با ایمان در کشور هستی، مانند حالت فردی است که در کشوری زندگی می‌کند که قوانین و دستورهای حکومتی آن را صحیح و عادلانه می‌داند؛ به حسن نیت گردانندگان اصلی کشور نیز ایمان دارد و به طور طبیعی زمینه ترقی و تعالی را برای خویش و دیگر اعضای خانواده‌اش فراهم می‌بیند و معتقد است تنها چیزی که ممکن است سبب ناکامی او شود، سستی و کم‌کاری خود اوست. این اندیشه او را با خوش‌بینی و امیدواری به حرکت و جنبش وا می‌دارد و برای غلبه بر مشکلات احتمالی از هیچ تلاشی فروگذار نیست.

اما درون اعضای خانواده بی‌ایمان پر از عقده، کینه و ناآرامی است. سرپرست خانواده به فکر اصلاح خویش و اعضای خانواده‌اش نمی‌افتد. اعضای این جامعه کوچک از زندگی لذت نمی‌برند و با مشاهده کوچک‌ترین مشکلی فریاد اعتراض آنان بلند می‌شود که چرا من باید دچار چنین مشکلاتی باشم. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «هر کس از توجه و یاد من رو برگرداند، زندگی سخت و پر از فشاری خواهد داشت.»^(۱۱) براساس مفهوم و معنای این آیه شریفه زندگی خانوادگی برای اعضای مؤمن و خوش‌بین آن لذت‌بخش خواهد بود و شرایط سخت آن را نیز برای آنان قابل تحمل خواهد کرد.

هرگاه این ایمان نسبت به خدا باشد، آن را «ایمان به خدا» می‌گویند. ایمان به خدا که همان اعتقاد قلبی و انجام دادن اعمال صالح است، صفات دیگری را نیز در روح مؤمن پدید می‌آورد و براساس شدت و ضعف ایمان، صفات نیز شدت و ضعف می‌یابد و همین صفات، تعیین‌کننده رفتارهای انسان در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی‌اند.^(۵)

ایمان به خداوند آثار متعددی در رفتار انسان و اعضای خانواده دارد و هریک به شیوه‌ای خاص بر کارآمدی خانواده اثر می‌گذارد. فردی که خدا را همواره ناظر بر اعمال خود می‌بیند^(۶) و براساس کلام وحی، آفریدگارش را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند^(۷) می‌کوشد در برخورد با دیگر اعضای خانواده و ادای وظایف و رعایت حقوق، رضایت او را جلب کند و رفتارهایش را در زندگی خانوادگی برای رسیدن به رشد، تعالی و کمال تنظیم نماید. انسانی می‌تواند به کمال و سعادت برسد که از آرامش برخوردار باشد. آرامش نیز خود در فضای خانواده‌ای آرام به وجود خواهد آمد و با خانواده آرام کارآمدی آن نیز تأمین خواهد شد. در تعالیم مذهبی اصلی‌ترین عامل برای رسیدن به آرامش و حفظ آن، «ایمان به خداوند» بیان شده است. در روایتی کوتاه و پر معنای امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «ایمان بیاور تا در امان باشی.»^(۸) همچنین آن حضرت ایمان به خدا را مساوی با آرامش و امنیت می‌داند و در روایتی دیگر می‌فرماید: «ایمان همان امنیت و آرامش است.»^(۹) در ادامه به برخی آثار ایمان و چگونگی آرام‌بخشی آن اشاره می‌شود.

الف. خوش‌بینی

یکی از آثار ایمان مذهبی، خوش‌بینی به جهان خلقت و هستی است. ایمان به تلقی فرد مؤمن از جهان شکل

که برای بعضی دردناک و سبب ناکارآمدی است، در پرتو امید به یاری خداوند برطرف خواهد شد.

انسان فطرتاً جویای سعادت خویش است و از داشتن آینده‌ای بدون کمال و همراه با محرومیت گریزان است. هر فردی به این امید تشکیل خانواده می‌دهد که آینده‌ای درخشان‌تر از زمان تنهایی خود داشته باشد. افراد در کنار خانواده کارآمد والدین خود نیز به دنبال کسب کمال و سعادت‌اند، اما سعادت بیشتر را در آینه تشکیل خانواده همراه با فرزندان با سعادت می‌بینند. دو چیز مهم و اساسی مایه سعادت انسان و خانواده می‌گردد: اولی تلاش و دومی اطمینان به شرایط بیرونی برای به ثمر رسیدن تلاش‌ها و در نتیجه تأمین سعادت و کارآمدی خانواده. مؤمن درباره آنچه به خودش مربوط است تردید ندارد. اما آنچه انسان را در مورد اهداف و نتایج تلاش‌هایش در آینده به اضطراب و نگرانی می‌کشاند، بی‌اطلاعی از همراهی جهان خارج و مادی است. انسان بی‌ایمان نمی‌داند و برایش روشن نیست آیا کار خوب فایده دارد؟ آیا صداقت و امانت ثمربخش است؟ آیا با همه تلاش‌هایی که می‌کند و وظایفی که انجام می‌دهد پایان کار محرومیت است یا موفقیت؟ ایمان مذهبی بر این اساس که انسان یک طرف معامله است و طرف دیگر آن خداوندی است که به او ایمان دارد، دچار نگرانی از آینده نمی‌شود و اطمینان‌خاطر دارد خداوند هرگز او را تنها نخواهد گذاشت و در سختی‌ها دست او و اعضای خانواده‌اش را خواهد گرفت. در نگاه انسان باایمان، هرچند او در ظاهر و از جهت مادی پیشرفت نکند، خداوند تلاش‌هایش را خواهد پذیرفت و از پاداش خود بی‌نصیب نخواهد گذاشت. آرامش چنین فردی سبب پدید آمدن آرامش در خانواده و در نتیجه کارآمدی آن خواهد شد.

خانواده کارآمد نیازمند درک خوبی‌ها، بدی‌ها و علل پدیدآورنده آنهاست. اعضای خانواده کارآمد از خوبی‌ها برای پیشرفت و رسیدن به کمال استفاده می‌کنند و برای افزایش آنها پیوسته در تلاش‌اند و با شناسایی عوامل پدیدآورنده بدی‌ها و ناملازمات راه را بر بروز آنها می‌بندند. انسان مؤمن براساس ایمان به خدا، جهان را به نور حق و حقیقت روشن می‌بیند. این روشن‌بینی فضای روح و جان او را روشن می‌کند و در پرتو نور ایمان و عنایات خداوند متعال به حل مشکلات و برداشتن موانع پیشرفت می‌پردازد. برخلاف فرد بی‌ایمان که در مواجهه با سختی‌های زندگی دچار اضطراب و به‌هم‌ریختگی می‌شود و جهان در نظرش پوچ و تاریک به نظر می‌آید. چنین فردی به جای اینکه به تلاش و پیشرفت فکر کند، از زندگی ناامید و فضای مطلوب آن را به محیطی ناامن و ناکارآمد تبدیل می‌کند. فرزندان این خانواده نیز برای مقابله با عوامل پدیدآورنده ناکارآمدی آموزش کافی نمی‌بینند.

ب. امیدواری

فرد باایمان خوش‌بین، به نتیجه مطلوب تلاش‌های خود امیدوار است. در منطق مؤمن، خداوند به تلاش‌های او بی‌توجه نیست، بلکه دستگاه آفرینش و خالق آن، پشتیبان افرادی است که در راه حق و حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند و معتقدند اگر «خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری خواهد کرد»^(۱۲) و «اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود»^(۱۳) مؤمن به کمک خداوند امیدوار است و در بحران‌های زندگی و برای دست‌یابی به اهدافش دست یاری به سوی خداوند دراز می‌کند و این امید او را به اهدافش خواهد رساند و به خانواده‌ای کارآمد دست خواهد یافت. کمبودهای زندگی

ج. لذت معنوی

یکی دیگر از آثار ایمان مذهبی، برخورداری بیشتر از یک سلسله لذت‌هاست که «لذت معنوی» نامیده می‌شود. انسان دارای دو گونه لذت است: یکی لذت‌هایی که به یکی از حواس انسان تعلق دارد و بر اثر برقراری ارتباط میان یک عضو با جهان خارج حاصل می‌شود، مانند لذتی که چشم از دیدن، گوش از شنیدن، دهان از راه چشیدن و لامسه از راه تماس می‌برد؛ دیگری لذت‌هایی که با عمق روح و جان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاصی مربوط نیست و تحت تأثیر برقراری رابطه با یک ماده بیرونی حاصل نمی‌شود، مانند لذتی که انسان از احسان و خدمت به اعضای خانواده خود می‌برد، لذتی که از محبوبیت و احترام همسر و فرزندان دریافت می‌کند یا لذتی که از موفقیت خود یا فرزندش می‌برد که نه به عضو خاصی تعلق دارد و نه تحت تأثیر مستقیم یک عامل مادی خارجی است. لذت معنوی مایه شادابی اعضای خانواده و کارآمدی است.

لذت‌های معنوی از لذت‌های مادی، هم قوی‌ترند و هم پایدارتر. در زبان دین، از «طعم ایمان» و «حلاوت ایمان» یاد شده است. ایمان حلاوتی بیش از همه حلاوت‌ها دارد. لذت معنوی آن‌گاه مضاعف می‌شود که کارهایی از قبیل احسان و خدمت به اعضای خانواده از پیروی از حس دینی ناشی گردد و برای خدا انجام شود و در قلمرو «عبادت» قرار گیرد. بالاترین و بهترین تأثیر لذت معنوی کاهش و رفع اضطراب ناشی از عوامل درونی و بیرونی است. آرامشی که از لذت معنوی برای خانواده و اعضای آن حاصل می‌شود، کارآمدی خانواده را افزایش می‌دهد و همه آنان را برای تلاش بیشتر در جهت کمال و بالندگی سوق می‌دهد.

د. کاهش ناراحتی‌ها

بشر در زندگی، خواه ناخواه، همچنان‌که خوشی‌ها، شیرینی‌ها، به‌دست‌آوردن‌ها و کام‌یابی‌هایی دارد، رنج‌ها، مصیبت‌ها، شکست‌ها، از دست دادن‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌هایی نیز دارد و روشن است که بشر موظف است با طبیعت دست و پنجه نرم کند و تلخی‌ها را به شیرینی تبدیل نماید. اما برخی از حوادث جهان مثل پیری قابل پیش‌گیری یا برطرف ساختن نیست. انسان، خواه ناخواه به سوی پیری گام برمی‌دارد، چراغ عمرش رو به خاموشی می‌گراید و ناتوانی، ضعف، پیری و سایر عوارض چهره زندگی را دگرگون و فرد را ناراحت می‌کند. علاوه بر این، اندیشه مرگ و نیستی، چشم بستن از هستی، جدایی از کسانی که به آنها دل‌بستگی داشته است، رفتن و جهان را به دیگران وا گذاشتن، به نوعی دیگر انسان را رنج می‌دهد و سبب از دست دادن امید به زندگی و بی‌رغبتی به کارها می‌شود.

ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلخی‌ها را قابل تحمل می‌کند و انسان با ایمان می‌داند هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر واکنش در برابر تلخی‌ها به نحو مطلوب باشد، به فرض اینکه خود این جبران‌ناپذیر باشد، به نحوی دیگر از طرف خداوند متعال جبران می‌شود. پیری به حکم اینکه پایان کار نیست، مطبوع و دوست‌داشتنی می‌گردد، به ویژه زمانی که علاوه بر دست یاری خداوند، دست فرزندان نیز یار و یاور والدین سالخورده باشد. در خانواده کارآمد اعضای مؤمن و جوان آن هرگز افراد سالخورده را فراموش نخواهند کرد و بیش از دوران جوانی به آنان رسیدگی خواهند کرد. ایمان مذهبی فرزندان صالح پرورش می‌دهد و فرزند صالح به زبان دین «عمل صالح» انجام می‌دهد و ناراحتی را از دل والدین پیر خود می‌زداید. فرزندی که با عمل صالح خود دل و جان والدین خود را شاد کرده، امیدوار است که در آینده فرزندان او نیز چنین کنند.

ه. سکینه (آرامش خاطر)

«سکینه» در لغت، به معنای وقار، سنگینی و آرامش است و برخی آن را به هیئت خاص جسمانی معنا کرده‌اند که از آرامش اعضا حاصل می‌شود.^(۱۴) افراد مؤمن دارای نوعی آرامش و اطمینان‌اند که هرگونه وحشت و دودلی از آنان زایل می‌شود. این آرامش زاییده ایمان است. مؤمنان هنگامی که به یاد قدرت بی‌پایان خداوند متعال می‌افتند، امیدوار می‌شوند و در پرتو آن مشکلات خود را حل شده می‌بینند. همان‌طور که امواج خروشان و غلطان اقیانوس نمی‌تواند آرامش و ژرفای آن را بر هم زند و امنیت آن را پریشان سازد، شایسته است که دگرگونی‌های سطحی و موقت زندگی، آرامش درونی انسانی را که عمیقاً به خداوند ایمان دارد، بر هم نزند؛ چرا که انسان متدین واقعی، تسلیم دگرگونی نمی‌شود و توازن شخصیت خویش را حفظ می‌کند و همواره آماده مقابله با مسائل ناخوشایندی است که احتمالاً روزگار برایش پیش می‌آورد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و آرامش را بر کسانی که از ایمان بهره‌ای داشته باشند، نازل می‌فرماید»^(۱۵)

مفسران قرآن «سکینه» را از ماده سکون به معنای آرامش دل دانسته‌اند؛ آرامشی که انسان در عزم و اراده خود دارد و هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی به خود راه نمی‌دهد؛ مانند شخص حکیم، یعنی کسی که دارای ملکه اخلاقی (حکمت) باشد که در کارهای خودش چنین آرامشی دارد. این آرامش را نیز از خواص ایمان بر شمرده‌اند. علامه طباطبائی برای واضح شدن معنای «سکینه» مقدمه‌ای ارائه می‌دهند:

و موافق با غرض صحیح اجتماعی است، ترتیب می‌دهد و از آنها نتیجه می‌گیرد که چه کاری را بکند و چه کاری را نکند، در صورتی که روی اسلوب فطرت مشی کند و جز آنچه برای سعادت حقیقی‌اش سودمند است، در نظر نگیرد، این کار فکری با آرامش خاطر و بدون هیچ‌گونه تزلزل و اضطراب انجام می‌گیرد، ولی در صورتی که به زندگی مادی بچسبد و از هوا و هوس خود پیروی کند، امر بر او مشتبه شده، نیروی وهم و خیال با فریبندگی و آرایش‌گری مخصوص به خود در اندیشه‌هایش مداخله می‌کند و از سویی از راه راست منحرفش می‌سازد و از سوی دیگر او را در تصمیم خود سست و در اقدام به کارهای سخت و سنگین، مضطرب می‌نماید.^(۱۶)

مؤمن همچون کسی است که بر تکیه‌گاهی استوار و پایه‌ای ویران‌نشدنی تکیه زده و امور خود را بر معارف حق و اعتقادات شک و شبهه‌ناپذیر، مبتنی ساخته است. او در کارها طبق فرمان الهی اقدام می‌کند و چیزی را متعلق به خودش نمی‌داند تا ترس از بین رفتنش را داشته باشد. مؤمن از فقدان چیزی اندوهگین نمی‌شود و برای تشخیص خیر و شر دچار اضطراب و دودلی نمی‌گردد. در ادامه، علامه طباطبائی شخص بی‌ایمان را همچون افراد بی‌سرپرستی می‌داند که به کارشان رسیدگی نمی‌شود و خیالات و احساسات شوم، از هر طرف بر آنان حمله و آنها را دچار اضطراب شدید می‌کند.

ایشان برای این ادعای خود، شواهدی از آیات قرآن کریم می‌آورند:

«خدا دوست مؤمنان است.»^(۱۷) «خدا دوست کسانی است که ایمان دارند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد، و کسانی که کفر ورزیدند،

انسان روی غریزه فطری، کارهای خود را با تعلیق انجام می‌دهد؛ یعنی یک سلسله مقدمات عقلی که مشتمل بر مصالح زندگی و مؤثر در سعادت واقعی

اقتصادی، دزدیده شدن اموال، از دست دادن شغل، بیماری‌های جسمی و روانی، از دست دادن عزیزان و... برای خانواده مشکل‌سازند و گاهی عامل ناسازگاری در خانواده می‌شوند و حتی گاهی خانواده را با بن‌بست مواجه می‌کنند. در چنین اوضاعی که به ظاهر تمام اسباب و نشانه‌های مادی از حل نشدن مشکل حکایت می‌کند، توکل بر خداوند متعال سبب تقویت اراده و قوت قلب اعضای خانواده می‌شود و روزنه‌امیدی در برابر افراد می‌گشاید و گاهی اوقات مشکلات را از راه‌هایی حل می‌کند که به هیچ وجه به ذهن افراد خطور نمی‌کرده است. (۲۴)

نکته مهمی که بر کارآمدی خانواده می‌افزاید و به آنان در مواجهه با نابسامانی‌ها یاری می‌دهد، توصیه متقابل اعضای آن به توکل بر خداوند و خالق هستی است. این نکته برای زنان اهمیت بیشتری دارد و مثبت‌تر ارزیابی شده است؛ زیرا در حالی که حل بیشتر مشکلات و به ویژه مشکلات اقتصادی بر عهده مرد است، تقویت روحیه مرد برای مدیریت و حل مشکلات از جانب دیگر اعضای خانواده و مخصوصاً همسر اهمیتی دو چندان دارد. (۲۵)

ز. پذیرش مقدرات الهی

رضایت دادن به مقدرات الهی و تسلیم بودن در مقابل آن، از آثار ایمان به خداوند است. پدید آمدن این حالت مبتنی بر فراهم شدن زمینه‌های شناختی و عاطفی است. فرد باید باور داشته باشد که همه رویدادهای جهان هستی منوط به اذن خداوند و قدرتی است که او به اسباب و علل می‌دهد. (۲۶) دست‌یابی انسان به این شناخت و آگاهی که خداوند نه تنها به مصالح انسان آگاه‌تر است، بلکه خیرخواه‌تر از خود آنها نسبت به خودشان است، سبب می‌شود فرد بپذیرد که همه حوادث در جهت خیر و صلاح انسان‌ها روی می‌دهد و از جهت عاطفی نیز از

دوستانشان گردن کشانند که از نور به سوی تاریکی‌ها بیرونشان می‌برند. (۱۸) «ما شیطان‌ها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.» (۱۹) «شیطان به شما نوید فقر می‌دهد و به کار زشت و می‌دارد، ولی خدا به شما نوید آمرزش می‌دهد.» (۲۰) «همانا دوستان خدا نه ترسی برایشان است و نه اندوهناک می‌شوند...» (۲۱)

خلاصه «سکینه عبارت است از یک روح الهی یا ملازم با یک روح الهی که سبب آرامش دل و اطمینان و آسودگی خاطر می‌شود.» (۲۲)

و. توکل

باور دینی دیگری که نتیجه ایمان مذهبی است، توکل بر خداوند است. توکل بر خداوند یعنی فرد در همه امور زندگی اعتماد و تکیه‌اش بر قدرت اوست. (۲۳) انسان باایمان اداره جهان و تمام تغییر و تحولات آن را در تصرف خداوند و در احاطه اراده او می‌داند. انسان‌ها در رویارویی با حوادث و مسائل زندگی به دو دسته عوامل نیازمندند: الف. اسباب و علل مادی در خارج؛ ب. شرایط روانی ویژه‌ای که به فرد کمک کند با مسائل بهتر مواجه شود. توکل برخداوند هر دو دسته شرایط را فراهم می‌آورد. گاهی ضعف اراده، ترس، دلهره و اشراف کامل نداشتن بر موقعیت‌ها موجب می‌شود فرد نتواند از روش‌های مناسب و مطلوب برای رویارویی با مشکل و حل آن استفاده کند. توکل بر خدا باعث تقویت اراده و کاهش تأثیر عوامل مزاحم می‌شود و فرد را در کوشش برای حل مسائل زندگی و رسیدن به تعادل و سازگاری توانا‌تر می‌کند و زمینه تحقق خانواده‌ای کارآمد فراهم می‌شود. اعضای خانواده در فرآیند زندگی با مشکلات و کاستی‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند. ورشکستگی

استفاده صحیح از کلام وحی مبتنی بر تفسیر اولیای دین و مستلزم درک سخنان آنان است. اساس تنظیم و تهیه این پژوهش نیز براساس استفاده از آیات قرآن کریم و روایات به دست آمده از پیامبر خاتم و ائمه هدی علیهم السلام بوده است. اما در بحث حاضر تنها به نقش باور به رسالت و امامت در الگوگیری و الگوپذیری از آنان در کارآمدی خانواده می پردازیم.

الگوپذیری، امری ضروری، بایسته و سودمند است و آدمی به اقتضای طبیعت انسانی خود به دنبال الگویابی است. الگوی ^(۲۸) شایسته و بهنجار و سالم، افکار انسان را منظم می سازد و چگونگی به کارگیری توان بالقوه و استعدادهای نهفته فرد را نیرومند می کند. بر عکس پیروی از الگوهای ناسالم، آسیب های جبرانناپذیری به همراه می آورد و خانواده را از هم می پاشد. بنابراین، نمی توان و نباید از الگوهای پیروی کرد که درهای سلامت دنیایی و سعادت آخرتی را بر روی اعضای خانواده ببندد و سبب ناکارآمدی خانواده شود.

انسان تحت تأثیر حس کمال جویی که در فطرت و سرشت او نهفته است، به پیروی از الگوهای راضی می شود که درجه های بیشتری از کمال را پشت سر نهاده و وجود خویش را به فضایل و صفات پسندیده بیشتری آراسته اند. انسان در هر سن و دوره ای از زندگی، به ویژه پس از تشکیل خانواده، کمال گرا و ترقی خواه است. بنابراین، به عواملی که سبب رشد و شکوفایی این ویژگی شوند، اهمیت می دهد. از این عوامل، الگوهای هستند که مراحل از کمال و جاده رشد را پیموده و خانواده کارآمد را تجربه کرده باشند؛ پس قدم در راه آنها می نهد و به پیش می رود. به عبارت دیگر انسان برای سنجش کارآمدی خانواده خود از دو جهت نیازمند الگوی کارآمد است: از یک جهت می خواهد با الگوگیری برای تشکیل

بروز حوادث راضی است و در مقابل خواست خداوند تسلیم است. این حالت به ویژه برای شرایطی سودمند است که حوادثی روی دهد که تلاش و خواست انسانها در آن نقشی نداشته باشد. حوادثی مانند زلزله، مرگ عزیزان و بیماری های بی درمان غالباً از حیطة اختیار و اراده افراد خارج است. بروز این حوادث برخی خانواده ها را دچار تنش و ناسازگاری می کند و گاهی ممکن است برخی از اعضا، دیگر اعضا را به سبب بروز مشکل سرزنش کنند و این امر نیز بر ناسازگاری ها می افزاید. ^(۲۷)

در چنین موقعیت هایی اعضای خانواده ای که در برابر قضای الهی تسلیم و راضی باشند، رویارویی آنان با مشکلات سهل تر خواهد شد. حالت رضایت باعث می شود اعضای خانواده بروز حوادث و مشکلات را مثبت و تکامل بخش بشمارند و زمینه سازگاری و پذیرش آنها آسان تر فراهم شود. پذیرش و تسلط بر نابسامانی و ناسازگاری ها تضمین کننده کارآمدی خانواده است.

۲. اعتقاد به رسالت و امامت

دومین رکن دین داری باور به رسالت انسان هایی از سوی خداوند است که در تاریخ اسلام و دیگر ادیان الهی به عنوان انبیای الهی شناخته شده اند. در فرهنگ شیعی در راستای تکمیل رسالت نبی مکرم اسلام و خاتم پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصایت و جانشینی آن حضرت به «امامت» معروف است و این جانشینی به عهده چهارده امام پاک و معصوم واگذار شده است.

نقش باور به اصل نبوت و امامت در زندگی انسان به آموزش امور دینی برمی گردد. شناخت تعالیم دین پس از کلام خداوند (قرآن کریم) منحصر به رجوع به سخنان پیامبر گرامی و جانشینان ایشان است، به گونه ای که حتی

خانواده‌ای کارآمد بکوشد و از سوی دیگر با مقایسه خانواده خود با خانواده‌های کارآمد می‌خواهد بداند آیا در مسیر دستیابی به کارآمدی حرکت می‌کند یا خیر؟ همان‌گونه که اگر ابزار سنجش و ارزیابی همچون متر، عدد، ساعت و دماسنج را از اجتماع انسانی بگیرند، زندگی، دشوار و رنج‌آور می‌شود و انسان‌ها در عادی‌ترین مسائل زندگی سرگردان خواهند شد، همچنین اگر الگوهای انسانی مناسب برای افراد بشر وجود نداشته باشد، جامعه در ابهام و سرگردانی به سر خواهد برد.

بنابراین، باید الگوی خانواده‌ای کامل و کارآمد وجود داشته باشد تا بتوان براساس آنها درباره رفتار خود داوری کرد. چنین اسوه‌های انسانی، همچون پیامبران، ائمه و اولیای الهی در طول تاریخ همواره وجود داشته‌اند و اگر انسان خود را با آنان به عنوان افرادی و خانواده‌هایی که به معیارهای انسانی آراسته‌اند، مقایسه کند، به چگونگی کار خود پی خواهد برد و مسیر شکل‌دهی خانواده‌ای کارآمد را خواهد پیمود.

الگوها چون معیارها و ملاک‌ها را در اختیار آدمی می‌گذارند، ارزش و اهمیت دارند. با این حال، صرف وجود معیارها و ملاک‌ها، انسان را از وجود الگوها بی‌نیاز نمی‌کند. الگو در مقایسه با معیار صرف، این برتری را دارد که تحقق معیارها را در موجود انسانی نشان می‌دهد. بنابراین، اگر کسی معیارها را بشناسد، این امر او را از مزیت مشاهده تحقق آنها بی‌نیاز نمی‌کند. برای مثال، ممکن است کسی معیارهای شعر و شاعری را به خوبی خوانده و دریافته باشد با این حال، شاگردی کردن در محضر شاعری برجسته و دیدن آن معیارها در کار و کردار وی، به ویژه از منظر تعلیم و ترتیب، فرصتی است که هرگز نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد. بر این اساس، الگوی عملی در جریان تعلیم و تربیت، جایگاهی اساسی و

حذف ناشدنی دارد.

جایگاه اساسی الگوی عملی در مکتب‌های الهی که رسالت اصلی آنها تعلیم و تربیت انسان است، به قدری برجسته است که خداوند در طول تاریخ برای هدایت هر قوم و گروهی، الگویی عملی به عنوان پیامبر و امام فرستاده است تا مردم را هدایت و راهنمایی کند؛ زیرا عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین وسیله تربیت، تربیت شدن و تربیت کردن با توجه به نمونه‌ای عملی و زنده است.

برای تشکیل خانواده‌ای کارآمد و چگونگی تنظیم روابط و نوع رفتارها، همانندسازی با انسان‌هایی که تعلیم دینی به طور کامل در آنان تجلی یافته، ضروری است. در این باره قرآن کریم برای کارایی بهتر رفتارهای فردی و خانوادگی و دستیابی به کمال معنوی و رشد و بالندگی از افراد دعوت می‌کند که پیامبر را در زندگی خود الگو قرار دهند^(۲۹) و از این الگوی کارآمد و نیکو در هیچ‌یک از مراحل زندگی غفلت نکنند. زیرا بر اساس آیات قرآن پیامبر ﷺ^(۳۰) و خانواده او ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری بسیار مناسبی دارند و از هرگونه ناهنجاری رفتاری، شخصیتی و اخلاقی دورند^(۳۱) و پیروان آنان هرگز به گمراهی کشیده نخواهند شد.^(۳۲)

۳. اعتقاد به معاد

اعتقاد به زندگی پس از مرگ در دو بُعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. آثار فردی، در زندگی خصوصی و شخصی هر فردی متجلی می‌شود، اما لازمه آثار اجتماعی، گرد آمدن افراد در کنار یکدیگر است و تا افراد نباشند آن آثار بروز نخواهد کرد. کانون خانواده اجتماع کوچکی است که از گرد هم آمدن اعضای خانواده تشکیل شده است. با آنکه اعتقاد به معاد بر همه ابعاد زندگی انسان‌ها اثرگذار است، در این بحث بیشتر بر جنبه‌های خانوادگی تأکید

هستند که راه به جایی نمی‌برند و مرگ در انتظارشان است. اینان از اینکه پا به عرصه هستی خانواده گذاشته‌اند گله دارند و می‌گویند: ای کاش به دنیا نمی‌آمدیم و ازدواج نمی‌کردیم؛ همان‌گونه که آنان می‌گفتند: ای کاش بر کشتی سوار نمی‌شدیم. اینان در خانواده به علت توجه نکردن به اهداف متعالی به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا می‌کنند و خانواده بر اثر بی‌هدفی به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شود. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که باعث پیوند هرچه بیشتر اعضا و احساس مسئولیت آنان در برابر یکدیگر می‌شود.

ب. احساس مسئولیت

احساس مسئولیت، یکی از عوامل مهم مهار رفتار فردی و اجتماعی انسان محسوب می‌شود. بین انسانی که خود را در مقابل کارهای خویش مسئول می‌داند و دیگری که برای خود مسئولیتی قائل نیست، بسیار فرق هست؛ یکی مقید است هر کاری را انجام ندهد، مگر آنکه برای وی و خانواده‌اش در آن مصلحتی وجود داشته باشد، برخلاف دیگری که می‌گوید هرچه پیش آید خوش آید. هر قدر احساس مسئولیت تقویت شود نتیجه‌های بهتر و دل‌پذیرتری بروز خواهد کرد و به عکس هرچه تضعیف شود آثار ناهنجاری در پی خواهد داشت.

بر این اساس اهتمام همهٔ مکتب‌ها بر آن است که این احساس را به روش‌های گوناگون در وجود پیروان خویش ایجاد و تقویت کنند. شاید مکتبی یافت نشود که برای انسان در مقابل مقامی حقیقی یا حقوقی، مسئولیتی قائل نباشد. البته به مقتضای اختلاف در منشأ این احساس در هر طرز تفکری، طبیعی است که آثار حاصل از آن و گستره تأثیر آن، متغیر و متفاوت خواهد بود. یکی از آثار پربرکت اعتقاد به معاد بیدار شدن این

می‌شود. باور به معاد در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی اثرگذار است و ما در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم.

الف. معنیافتن زندگی

دو کشتی را تصور کنید که با شماری سرنشین در اقیانوسی در حرکت‌اند. سرنشینان یکی از این دو امیدوارند دیر یا زود کشتی در کرانهٔ اقیانوس پهلو بگیرد، اما مسافران کشتی دیگر، به عللی، از حیات خویش و پهلو گرفتن کشتی در ساحل قطع امید کرده‌اند و بر این باورند که دیر یا زود امواج اقیانوس آنان را خواهد بلعید و به کام مرگ فرو خواهد برد. آیا باور، کردار و واکنش‌های این دو دسته یکسان خواهد بود؟

بدیهی است که دیدگاهشان با هم برابر نیست؛ بلکه اصلاً با یکدیگر قابل مقایسه نمی‌باشند. نگاه دستهٔ اول به مجموعهٔ اقیانوس و کشتی و قوانین حاکم بر آن و روابط مسافران و آنچه پیرامون آنها یافت می‌شود با طرز نگاه دستهٔ دوم بسیار متفاوت است. دستهٔ اول به این مجموعه با دیدی ستایش‌برانگیز می‌نگرند؛ زیرا آنها را ارزشمند می‌شمارند و از اینکه به کشتی سوار شده‌اند خوشحال‌اند یا حداقل پشیمان نیستند. اما دستهٔ دوم آرزو می‌کنند ای کاش سوار نمی‌شدند و اکنون که گرفتار شده‌اند، منتظرند هرچه زودتر کشتی به قعر اقیانوس برود و این اضطراب و وحشت پایان پذیرد. در نزد اینها، همهٔ این مجموعه، اعم از اقیانوس، کشتی، مسافران و همهٔ اشیای پیرامونشان بی‌معنا و بی‌ارزش است.

اعضای خانواده در فرایند زندگی بسان مسافران آن دو کشتی‌اند که در اقیانوس بی‌کران دنیای مادی در حرکت است. آنان که حیات را به همین چند روزهٔ دنیا محدود می‌دانند و بر این گمان‌اند که با سپری شدن آن، چیزی جز فنا و نیستی در انتظارشان نیست، مانند سرنشینان کشتی‌ای

صرف گشته است. در این باره رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «آگاه باشید که همه شما نگهبان هستید و در مورد زیردستان خود مسئولید. فرمانروا سرپرست مردم است و درباره آنان مسئول است، مرد سرپرست خانواده است و درباره آنان مؤاخذه خواهد شد و زن سرپرست خانه شوهر و فرزندان اوست و در مورد آنان پرسش خواهد شد.»^(۳۵)

آن‌گاه که اعضای خانواده به جهان پس از مرگ معتقد باشند و در مقابل یکدیگر احساس مسئولیت کنند، به ادای وظایف و مسئولیت‌های خود پایبندند و از رفتارهای ناسالم اجتناب می‌ورزند. در کلمات اولیای دین در ازای اجرای وظایف خانوادگی وعده پاداش داده شده است. توجه به این پاداش‌ها و نعمت‌هایی که فرد در جهان آخرت به آنها دست می‌یابد و سبب آسایش وی در زندگی اخروی می‌شود، در فرد برای انجام دادن کار انگیزه ایجاد می‌کند و او را برای فعالیت و کسب نعمت‌ها و پاداش تشویق می‌نماید. وقتی که عضو خانواده در قرآن کریم می‌خواند: «شما و همسرانان در نهایت شادمانی وارد بهشت می‌شوید. سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنها می‌گردانند و در آنجا آنچه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت ببرد، موجود است و شما در آن جاودانید، و این همان بهشتی است که به پاس اعمالی که انجام می‌دادید، وارث آن شده‌اید.»^(۳۶) برای رفتار مناسب و متعادل شوق و انگیزه مضاعف می‌یابد و رفتارهای بهنجار کارآمدی خانواده را تضمین خواهد کرد. در روایات در مورد پاداش پرستاری از بیمار آمده است فردی که یک شبانه روز در کنار بیمار بماند خداوند او را با حضرت ابراهیم عليه السلام محشور می‌کند و او با سرعت برق از پل صراط می‌گذرد.^(۳۷) همچنین اگر کسی غذای مناسب میل بیمار را به او بخوراند، خداوند از میوه‌های بهشتی روزی‌اش خواهد کرد.^(۳۸) چنین تشویق‌هایی اعضای

احساس در سطحی وسیع، در عمق وجود انسان‌هاست؛ به گونه‌ای که همه کارهای آدمی را، اعم از جسمی و روحی، درونی و بیرونی تحت الشعاع قرار می‌دهد و در مقابل هر کاری، فرد را موظف به پاسخ‌گویی می‌سازد. معتقد به معاد، بر این باور است که فردای قیامت در پیشگاه عدل الهی مؤاخذه خواهد شد و کارهای ریز و درشتش را ناقدی بصیر و خبیر به نقد می‌کشد تا سره از ناسره مشخص گردد.

از منظر قرآن، انسان موجودی مسئول است؛ یعنی باید جوابگوی عملکرد خود باشد و در آنچه از او سر می‌زند بی‌اعتنا و سهل‌انگار نباشد، بلکه باید برای هر کاری دلیلی منطقی داشته باشد. بیان دستورهای دینی، اعم از واجب و حرام، در واقع بیان مسئولیت‌ها و تعهدهایی است که بر عهده انسان است و تذکر به وی در کتاب الهی کمکی است به او تا به نیکی از عهده مسئولیت‌ها برآید و اگر بر اساس آنها عمل کند به راحتی از عهده پاسخ‌گویی به عملکردش برمی‌آید. پس مسئول بودن، مبنای وظیفه داشتن است. قرآن کریم به منظور تأکید بر مسئولیت انسان در برابر عملکرد خویش با لحنی آمیخته به انکار و عتاب می‌فرماید: «ایا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟»^(۳۳) و در نفی این پندار، حیات مجدد انسان، و جریان مسئولیت‌خواهی و نیز مؤاخذه انسان در روز قیامت را به وی گوشزد می‌نماید و می‌فرماید: «پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید، از آنچه انجام می‌دادند.»^(۳۴)

در مکتب اهل بیت عليهم السلام و روایات نیز مسئول بودن انسان در مقابل خداوند یکی از روشن‌ترین عناصر ساختاری انسان مؤمن شمرده شده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت این موضوع، مسلم فرض شده و بیشترین تلاش برای متوجه ساختن مؤمنان به لوازم این باور،

فاصله بین انتقال از دنیا و روز قیامت - دچار فشار و سختی شدید می‌شود. (۳۹)

در روایات نیز به عواقب نامطلوب بدرفتاری در خانواده اشاره شده است. رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر زنی که همسر خود را با زبان بیازارد، خداوند هیچ کار نیک او را نمی‌پذیرد تا موقعی که شوهر خویش را از خود راضی گرداند... و نخستین کسی خواهد بود که به جهنم می‌رود؛ این مطلب در مورد مردی که همسر خود را آزار دهد صادق است.» (۴۰) نتیجه آنکه پیروان راستین اسلام که به روز جزا ایمان دارند و خویشان را در پیشگاه خدا مسئول می‌دانند و همواره مراقب اعمال خود هستند، به واجبات الهی عمل می‌کنند، از محرمات پرهیز می‌نمایند و می‌کوشند دامنشان به گناه و ناپاکی آلوده نشود؛ زیرا یقین دارند هر عمل زشت و ناروایی که در دنیا انجام دهند، در نامه عملشان ثبت می‌گردد، در قیامت بازخواست می‌شوند و به تناسب آن عمل، کیفر داده خواهند شد.

خانواده را برمی‌انگیزد که حتی در شرایط دشوار با شوق و انگیزه دیگر اعضای خانواده را یاری کنند. در چنین شرایطی هم فرد یاری‌دهنده احساس عاطفی مطلوب و مثبتی نسبت به خود و دیگر عضو خانواده پیدا می‌کند؛ زیرا می‌داند حتی در صورتی که پاداش خود را در دنیا دریافت نکند، از پاداش اخروی که بیشتر به آن نیاز دارد بی‌نصیب نخواهد ماند و هم بیمار با احساس رضایت از یاری عضو دیگر خانواده‌اش به سرعت بهبود خواهد یافت؛ ارتباط عاطفی عمیقی با وی برقرار خواهد کرد و به هنگام نیاز این تلاش را جبران خواهد کرد. در هر صورت چنین رفتارهایی که مبتنی بر اعتقاد به جهان پس از مرگ است سبب استواری روابط اعضای خانواده و کارآمدی آن خواهد شد. روایتی که در مورد بیماری نقل شد، تنها یک مثال است و احادیث متعددی در مورد رفتارهای افراد در خانواده و جامعه وجود دارد که جای ذکر آنها نیست.

ج. مهارکننده و بازدارنده

اعتقاد به جهان آخرت نقش مهارکننده و بازدارنده نیز دارد. بسیاری از ناسازگاری‌هایی که در خانواده پدید می‌آید به مهار نکردن رفتارهایی بازمی‌گردد که اعضا را به تعدی به حقوق یکدیگر، تحمیل به دیگران و پرخاشگری‌ها می‌کشاند. اعتقاد به حسابرسی اعمال در روز قیامت و پاداش و مجازات افراد بر اساس رفتارهایشان و توجه به عواقب نامطلوب تجاوز به حقوق دیگران و فرار از اجرای مسئولیت‌ها، افراد را تا حد زیادی از رفتارهای نامناسب باز می‌دارد.

قرآن کریم یکی از آثار بدخلقی در خانواده را فشار روحی در عالم برزخ می‌داند، به گونه‌ای که حتی اگر فرد در ابعاد دیگر به وظایف خود عمل کرده باشد ولی در خانواده رفتار نامناسب داشته باشد، در عالم برزخ - یعنی

نتیجه‌گیری

۱. بر اساس منابع دینی، مهم‌ترین باورهای دینی که خانواده را به یک خانواده کارآمد تبدیل می‌کند، عبارت‌اند از: ایمان به خدا؛ اعتقاد به رسالت؛ اعتقاد به امامت؛ اعتقاد به زندگی پس از مرگ (معاد).
۲. بینش‌ها، و باورهای دینی از سه بُعد زیر بر کارآمدی خانواده اثرگذارند: معنا دهی به زندگی؛ اجرای وظایف و تکالیف توسط اعضای خانواده؛ مواجهه با مشکلاتی که در خانواده پدید می‌آید.
۳. همچنین بر اساس نتایج پژوهش حاضر، نبود چنین بینش‌هایی بر روابط و رفتارهای فردی و اجتماعی اعضای خانواده اثر می‌گذارد و با شکل‌گیری رفتارها و روابط نامناسب سبب ناکارآمدی خانواده خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمد محمدی ری‌شهری، مبانی شناخت، ص ۱۲۶.
 - ۲- کارآمد به معنای آنکه کارها را به نیکویی انجام دهد و کاردان باشد (علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا). معنای اصطلاحی کارآمد در مباحث خانواده، تقریباً مشابه معنای لغوی آن است. خانواده به عنوان یک نظام پویا، زنده و در حال تغییر و رشد نیز با همین صفت وصف می‌شود. کارآمد برای تشخیص فرآیند عملکرد خانواده بهنجار به کار می‌رود. این مفهوم به قضاوت درباره سودمندی الگوهای خانواده در کسب هدف‌ها اشاره دارد.
 - ۳- محمد محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ح ۱۱۸۷۴.
 - ۴- محمدمهدی صفورائی پاریزی، شاخصه‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
 - ۵- ر.ک: محمدمهدی صفورائی، «ایمان به خدا و نقش آن در کاهش اضطراب»، معرفت، ش ۷۵.
 - ۶- حدید: ۴.
 - ۷- ق: ۱۶.
 - ۸- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۸۸.
 - ۹- همان.
 - ۱۰- محمد قائنی، گوهر دین در معرفت اصول و فروع دین، ص ۲۲۳، به نقل از: ویلیام جیمز.
 - ۱۱- طه: ۱۲۴.
 - ۱۲- محمد: ۷.
 - ۱۳- توبه: ۹۰.
 - ۱۴- علی‌اکبر دهخدا، همان.
 - ۱۵- توبه: ۲۶.
 - ۱۶- سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ذیل آیه ۲۴۸ سوره بقره.
 - ۱۷- آل‌عمران: ۶۸.
 - ۱۸- بقره: ۲۵۷.
 - ۱۹- اعراف: ۲۷.
 - ۲۰- بقره: ۲۶۸.
 - ۲۱- یونس: ۶۲.
 - ۲۲- سید محمدحسین طباطبائی، همان.
 - ۲۳- رعد: ۳۰.
 - ۲۴- طلاق: ۳ و ۲.
 - ۲۵- محمدرضا سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۱۱.
 - ۲۶- کهف: ۳۹؛ اسراء: ۲۰.
 - ۲۷- محمدرضا سالاری‌فر، همان.
 - ۲۸- ر.ک: مهدی حسین‌زاده، الگوشناسی، ص ۸.
 - ۲۹- احزاب: ۲۱.
 - ۳۰- قلم: ۲.
 - ۳۱- احزاب: ۳۳.
 - ۳۲- نجم: ۳ و ۲.
 - ۳۳- قیامت: ۳۶.
 - ۳۴- حجر: ۹۲-۹۳.
 - ۳۵- حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۲۸۹، ح ۱۲۹۱۱.
 - ۳۶- زخرف: ۷۰-۷۲.
 - ۳۷- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۶.
 - ۳۸- همان، ج ۸۱، ص ۲۲۰.
 - ۳۹- همان، ج ۶، ص ۲۲۰.
 - ۴۰- همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴.
- منابع
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- سالاری‌فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۵.
- صفورائی، محمدمهدی، «ایمان به خدا و نقش آن در کاهش اضطراب»، معرفت، ش ۷۵، اسفند ۱۳۸۲، ص ۱۸-۹.
- طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
- قائنی، محمد، گوهر دین در معرفت اصول و فروع دین، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۸.
- متقی هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
- محمدی ری‌شهری، محمد، مبانی شناخت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- _____، میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- مهدی‌زاده، حسین، الگوشناسی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۵.

صفحه ۶۶ سفید



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی